

داستان گرشاسب، تهمورس
و جمشید، گلشاه و متن‌های دیگر

(بررسی دستنویس م. او ۲۹)

داستان گرشاسب، تهمورس و جمشید، گلشاه و متن‌های دیگر

آوانویسی و ترجمه از متن پهلوی

کتابخانه مژداپور



پیشکش به استاد ارجمند

دکتر ماهیار نوابی

فهرست

۱۱	پیشگفتار
۱۱	۱. رومند و شکل ظاهری کتاب
۱۴	۲. نگارش کتاب
۱۹	۳. نگارندهان و کاتبان کتاب
۲۰	۴. دیگرگونی زبان و مضمون در م. او ۲۹
۲۲	۵. فهرست پاره‌نوشتارها
۲۶	۱. خط و زبان
۳۱	۲. ویژگی خطی
۴۵	۳. ویژگیهای آوازی
۵۷	۴. ویژگیهای لغوی
۶۷	۵. ویژگیهای نحوی
۷۸	۶. ویژگیهای مضامین
۸۵	۱.۳. دستنویس م. او ۲۹ و متون و آثار دیگر
۸۷	۲.۲. آمدن ویژگیهای م. او ۲۹ در دیگر جاها
۱۰۰	۳.۲. اساطیر و داستان‌سرایی

۸ داستان گرشااسب، تهمورس، جمشید،...

- ۱۰۲ ۱. حاصل سخن
- ۱۰۸ ۲. درباره شیوه نگارش در این بررسی
- ۱۱۵ ۳. کارهای پیشین
- ۱۱۷ ۴. سپاسداری و تقدیم کتاب
- ۱۲۱ (۱) گرشااسب
- ۱۵۲ (۲) اخت جادو
- ۱۶۷ (۳) تهمورس و جمشید
- ۱۹۴ (۴) شماره امشاسپندان در دین
- ۲۰۸ (۵) نوداری ایزد بهرام
- ۲۱۳ (۶) استوفرید ایزد بهرام
- ۲۱۶ (۷) سه گناه بزرگ
- ۲۲۱ (۸) حقیقت گلشاه
- ۲۴۱ (۹) پرسش میدیوماه از زرتشت
- ۲۴۶ (۱۰) وندیداد خوانی
- ۲۵۰ (۱۱) پیدایی آتش
- ۲۵۳ (۱۲) فریدون ضحاک را گرفت
- ۲۵۶ (۱۳) درباره رستاخیز
- ۲۶۱ (۱۴) گرز مهر ایزد
- ۲۶۵ (۱۵) از شاهی گشتاسب تا یزدگرد
- ۲۶۶ (۱۶) روز اورمزد، ماه فروردین
- ۲۸۱ (۱۷) آخر هزاره
- ۳۱۲ (۱۸) نمادهای امشاسپندان
- ۳۱۸ (۱۹) باریابی زرتشت
- ۳۲۲ (۲۰) فضل دیگر
- ۳۲۹ (۲۱) نصیحت
- ۳۳۱ (۲۲) گوشدا

فهرست ۹

۲۲۴	(۲۲) بهترین و بُرَّین مردم
۲۴۲	(۲۴) نشانهای زادن منجی
۲۵۱	(۲۵) باران‌کرداری
۲۶۰	(۲۶) نوبارانی
۲۷۱	(۲۷) از وندیداد
۲۷۴	(۲۸) فرگرد هشتم هوسپارم‌نسک
۲۸۲	(۲۹) خویدودس
۲۸۵	(۳۰) از زندگاهان
۲۸۸	(۳۱) بُرَّین مردم
۲۹۴	(۳۲) بیان رستاخیز
۴۰۷	(۳۳) نخستین آفریده، بهمن
۴۱۹	(۳۴) دانایی زرتشت
۴۲۳	(۳۵) فرگرد هشتم دامداد
۴۲۸	(۳۶) از دینکرد
۴۵۷	(۳۷) پانزده هزار موبدان
۴۶۱	راهنای کتابنامه
۴۶۲	کتابنامه
۴۷۳	ناید

پیشگفتار

۱. رونمذ و شکل ظاهری کتاب

دستنویس م. او ۲۹، با شماره ۲۶ در مجموعه «گنجینه دستنویس‌های پهلوی و پژوهش‌های ایرانی»، از سوی موسسه آسیانی دانشگاه شیراز، به سال ۱۳۵۵ هجری شمسی، به کوشش دکتر ماهیار نوابی، دکتر کیخسرو جاماسب اسا، دکتر بهرام فرهوشی، دکتر محمود طاوسی، به صورت چاپ عکسی انتشار یافته است. ناشر براین دستنویس نام فارسی «دانستان گرشاسب، تهمورس و جمشید، گلشاه و متنهای دیگر» نهاده و نیز شماره ۲۹ MU29 را به م. او ۲۹ برگردانیده است. این دستنویس از صفحه ۲ تا ۱۶۱ کتاب چاپی را در برمی‌گیرد. برگهای ۷۹ و ۸۰ آن سفید و حدی فاصل دو بخش مجلزای کتاب است. کتاب با سرآغازی، که خود مقدمه مجموعه است، شروع می‌شود و سپس پیشگفتار ناشر در معرفت این دستنویس می‌آید. برگدان این پیشگفتار به زبان انگلیسی آخرین برگهای کتاب از سوی راست آن است.

در پیشگفتار ناشر، دستنویس م. او ۲۹ چنین معزّف شده است: «اندازه آن $31/8 \times 19/6$ سانتیمتر و دارای ۱۵۸ صفحه می‌باشد که بر هر صفحه‌ای ۱۷ سطر نوشته شده است. پایان نویس ندارد ولی بر صفحه ۱۰۹ (= صفحه ۱۱۲ نسخه چاپی)، تاریخ روز سروش، ماه اردیبهشت سال ۱۲۱۱ یزدگری (= ۱۸۴۲ میلادی) دیده می‌شود». این دستنویس را بانو مهریای ڈردنی به یاد برادرش، دکتر ج. م. اونولا به کتابخانه نخست دستور مهرجی رانا -

۱۲ داستان گرشاسب، پاره‌نویس، جشنید، ...

نوساری پیشکش کرده و در آنجا محفوظ است.^۱

چنین پیدا است که نسخه‌ای رونویسی شده از بخش‌هایی از این دستنوشته در کتابخانه ملی فرانسه در پاریس^۲ وجود دارد (۴. ۳. یکم). این نسخه متعلق به کتابخانه ملی فرانسه است و مشتمل بر بسیاری از پاره‌نوشته‌های دستنویس م. او ۲۹ نیز هست. اطلاعات مربوط به آن در جلد چهارم فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه ملی فرانسه، گردآورده ادگار بلوش^۳، تحت شماره ۲۲۷۱ آمده است.^۴

متن این دستنویس پهلوی با دو خط متفاوت نگاشته شده است. این دوگانگی خط، کتاب را به دو بخش مجزا تقسیم می‌کند: صفحه ۲ تا ۷۸ کتاب خطی ناروشت، اما دقیق‌تر و صفحه ۸۱ تا ۱۶۱ (پایان کتاب) خطی زیباتر و شکیل دارد. با وجود چنین اختلافی در خط و نیز بودن برگه‌های جداگانه میان دو بخش، از آنجا که یادکرد نام خداوند با خط فارسی و در تدوین نهایی کتاب فقط در آغاز قطعه «گرشاسب» (قطعه شماره ۱)، نخستین پاره‌نوشته آن، آمده است، باید پذیرفت که تلفیق این دو بخش اتفاق نیست و کاتبان با توجه و قصد قبلی به بازنویسی این هر دو پاره در یک کتاب پرداخته‌اند. همچنین تداوم این دو بخش را تکرار یک پاره‌نوشته از بخش نخستین در بخش دوم («روز اورمزد، ماه فروردین»، شن ۱۶) و نشانه‌ای دیگری از این دست تأیید می‌کند. از این قرار است تداوم ویژگیهای خطی و زبانی پلره‌نوشته‌های سازنده هر دو بخش دستنویس م. او ۲۹، که خود مختص همین دستنوشته است؛ و نیز آمدن عنوانهای از پاره‌نوشته‌های بخش اول، که پیدا است به سهو نوشته و سپس قلم گرفته شده است (۱. ۲. دوم).

بر بیشتر صفحات این کتاب خط فارسی نیز به چشم می‌خورد. نه تنها در آغاز دستنویس م. او ۲۹، بر صفحه ۲ و سطر دوم، پس از یادکرد نام خداوند به خط و زبان پهلوی بر نخستین سطر، آمده است: «بنام ایزد بخشایشگر مهریان»؛ بلکه عنوانهای پاره‌نوشته‌ها هم اغلب به خط فارسی می‌آید. گذشته از این، خط فارسی در این دستنوشته دو یا سه کاربرد

۱ - دستنویس م. او ۲۹، پیشگفتار.

2 - "La Promotion de Vahrām", P. 7.

3 - E. Blochet.

۴ - با سپاسگزاری از سرکار خانم دکتر زهرا شادمان و سرکار خانم فروردین راستین.

پیشگفتار ۱۳

دیگر هم دارد؛ یکی پرنوشت‌های^۱ متعدد به این خط است که گاهی راهنای منحصر بفرد برای قرائت و فهم واژه است. این پرنوشت‌ها هم در لابلای سطرها می‌آید و هم بر روی سطر و در همان ردیف خط پهلوی. دیگر این که در درون سطر، در صفحات ۱۰۲ و ۱۰۳، به ترتیب بر سطرهای ۱۶، ۱۷، ۸، نویسنده واژه‌هایی را که معادل پهلوی آنها را غنی‌دانسته و یا به یاد نمی‌آورده، با خط فارسی نوشته است. نیز سطر هفدهم از صفحه ۱۲۰، که آخرین سطر است، به فارسی است. در صفحه ۱۰۴ (سطر اول) هم کلمات پایانی پاره‌نوشتار پهلوی، که این کلمات نیز خود فارسی نوین و عربی است، به خط فارسی نگارش یافته است (ش. ۴.۲. یکم). در دنباله همان سطر، یک اندرز فارسی، با عنوان «نصیحت» (ش. ۲۱)، در شش هفت سطر دیده می‌شود که انعکاس زبان گفتاری و تلفظ شکسته واژه‌ها نیز در کتابت آن به چشم می‌خورد. تاریخ کتابت دستنویس را بر صفحه ۱۱۲ نسخه چاپی هم بر این فهرست باید افزود (۱.۲. هفتم) و همچنین «پازده هنر موبدان» (ش. ۳۷) که شرحی به فارسی مغلوط و مبهمن دارد.

بجز خط پهلوی و فارسی، دین‌دیره یا خط اوستایی نیز در این دستنویس به کار رفته است (۱.۲). این کاربرد گذشته از مواردی عادی که در دستنویسهای دیگر پهلوی نیز معمول است (مثلًاً بندهش، دستنویس ت. ۲۵، ص ۲۷۷، س. ۵؛ دینکرد، چاپ مدن، ج ۲، ۴/۵۹۲) و در آنها هم واژه‌هایی گاهی با خط اوستایی به نگارش درمی‌آید؛ در م. او ۲۹، در چند مورد دیگر هم نوادر می‌گردد؛ دو قطعه اوستایی پُرغلط، در صفحات ۱۲۴ – ۱۲۵ («از وندیداد»، ش. ۲۷) و چند سطر در صفحه ۱۳۲ (وندیداد ۲۱، بندهای ۱ – ۴، در «ییان رستاخیز»، ش. ۳۲)، و نیز جملاتی از گاهان (یسن ۴۵، بند ۴، «از زندگاهان»، ش. ۳۰) بر صفحه ۱۲۹، که به زبان پهلوی تفسیر شده است. گذشته از این، خط اوستایی برای نوشتن واژه‌های غیراوستایی نیز در این دستنویس به کار رفته است. این نگارش بویژه در قطعه «نو بارانی» (ش. ۲۶) دیده می‌شود و آن را باید تداوم وارد شدن واژه‌های زنده و جدید زبان کاتب در م. او ۲۹ دانست. این شیوه پازندنویسی در م. او ۲۹، که شاید به دومین کاتب آن بازگردد، با آنچه در قطعه «پازده هنر موبدان» (ش. ۳۷) می‌آید، متفاوت است و پیشینه آن را در کتابت بخش نخستین

۱۴ داستان‌گرشاپ، تهمورس، جشید....

این دستنویس، در قطعه «وندیدادخوانی» (ش. ۱) می‌توان دید. توضیحات فارسی برای عبارات پازند در «پائزده هنر موبدان» شاید افزوده‌های متأخرتر باشد بر این دستنویس (۱۱. ۲. هفتم).

۱. ۲. نگارش کتاب

چنان که ناشر در پیشگفتار خود یادآوری می‌کند، چگونگی ترکیب و فراهم آمدن پاره‌نوشتارهای پهلوی در این دستنویس، جدید است و گزینش و توالی آنها تازگی دارد و مختص به خود آن است. چنان که گذشت، برخی از این پاره‌نوشتارها دارای عنوانی به خط فارسی اند. اما گاهی هم در آن بیش از یک مطلب مستقل و پیوسته زیر یک عنوان واحد آمده است؛ مانند ص ۵۷ سطر ۸ («سه گناه بزرگ»، ش. ۷) و ص ۶۸ سطر ۱۵ («وندیدادخوانی»، ش. ۱۰) که مطلبی تازه و بی عنوان در آنها آغاز می‌شود. گاهی نیز چند پاره‌نوشتار مجموعه پیوسته و متأیزی را تشکیل می‌دهد که می‌توان بر آنها نامی واحد نهاد؛ مانند قطعات مربوط به باران (صفحه ۱۱۷ - ۱۲۵) که مشتمل است بر یک قطعه مأخوذه از دینکرد («باران‌کرداری»، ش. ۲۵) و یک قطعه کوتاه از وندیداد که به بارش باران بازمی‌گردد («از وندیداد»، ش. ۲۶) و یک قطعه کوتاه از وندیداد که به بارش باران بازمی‌گردد («از وندیداد»، ش. ۲۷)؛ همچنین ده اندرز زرتشت و ضدّ، اندرز آختِ جادو («آختِ جادو»، ش. ۲) که می‌توان هر دو را زیر یک عنوان جای داد. بدین شمار، با تقطیعی که گاهی تا حدی دلخواه و بنابر سلیقه شخصی خواهد بود، سی و دو تا سی و هفت قطعه در این دستنویس می‌توان بازیافت. از روی قرائی که در م. او ۲۹ وجود دارد، برمی‌آید که صاحبان دو قلمی که کاتبان دو بخش مجّزّای دستنویس اند، این پاره‌نوشتارها را بازنویسی و تدوین کرده‌اند و نیز احتالاً خود قطعاتی بر آنها افزوده‌اند. بدین شمار، نگاشتن م. او ۲۹ دو مرحله متفاوت را گذرانیده است: نخست آن که نگارندگانی در طی چندین سال، و شاید حتی چندین نسل (۱. ۴)، بیشتر به باری حافظه و کمتر از طریق مراجعه به متنهای اصیل و رونویسی مستقیم، یا شاید تغیر یکی و تحریر دیگری، پاره‌نوشتارهای متنوع آن را به نگارش درآورده‌اند. سپس دو تن، که باز احتمال دارد به زمانها یا مکانهای مختلف متعلق باشند، به گردآوری و تدوین این اوراق پراکنده

پرداخته‌اند. همچنین هنگام بازنویسی و تنظیم این قطعات، خود نیز چیزهایی انشاء غوده و یا با استفاده از کتابهایی که در دسترس داشته‌اند، حجم کنونی را به کتاب بخشیده‌اند. نکته اخیر بیشتر به بخش دوم کتاب باز می‌گردد و دینکرد بویزه مأخذ برای این گونه قطعات بوده است که برگرفته‌هایی از آن، آخرین قسمت‌های کتاب را می‌سازد. اماً احتمال آن هم هست که همین برداشت‌ها از دینکرد نیز کار کاتب دوم م. او ۲۹ نبوده و ا فقط آنها را به ارت برده و به بازنویسی آنها پرداخته باشد. این حکم درباره «نوبارانی» هم که از تازه‌ترین پاره‌نوشтарهای این دستنویس است و با قطعه پیشین خود ارتباطی بر اساس تداعی معانی و یادآیاد دارد، نیز شاید صدق کند.

پیدی آمدن م. او ۲۹ در دو مرحله، یکی مشتمل بر بازنویسی پاره‌نوشтарهایی که کاتیان و تدوین‌کنندگان آنها را در دست داشته‌اند و دیگری نخستین نگارش آنها در اوراق پراکنده و نایپوسته، از روی قرائی و دلائل زیر استنباط می‌شود:

۱. ۲. یکم) گذشت که در صفحه ۲، سطر سوم، آمده است: «بنام ایزد بخشاینده بخشایشگر مهربان». این یادکرد فارسی نام خداوند، ترجمه «بسم الله الرحمن الرحيم» و جدیدتر است از یادکرد نام خداوند با خط پهلوی، که قطعات کتاب گاهی با آن آغاز می‌شود (مانند صفحات ۷۰، ۷۲، ۷۳، ۸۱، ۸۲). بنابراین آمدن دوباره نام خداوند، به طور ضمنی دلالت دارد بر رونویسی شدن پاره‌نوشтарها، و اگر تدوین مجده آنها در میان نمی‌بود، مانند بسیاری دیگر از آثار پهلوی، در سرآغاز م. او ۲۹ نیز به یادکرد نام خداوند به خط پهلوی، به همان شیوه کهن، اکتفا می‌شد.

۱. ۲. دوم) در صفحه ۲۲، سطر ۵، عنوان قطعه «بیان رستاخیز» (ش ۳۲)، آمده و قلم گرفته شده است. این قطعه در صفحه ۱۲۲ جای دارد. نیز در صفحه ۱۰۰، سطر ۴ آمده است: «در و چندست» و این عبارت سپس خط خورده است. این کلمات را باید بخشی از عنوان پاره‌نوشtarی دانست که در صفحه ۱۰۵، سطر ۱۳، چنین نوشته شده است: «در دنیا (من: وینا) مردم بد چند بوده [و] هست». این نکته می‌رساند که هنگام نوشتن «اندرز آدریاد» در صفحه ۲۲ («آخت جادو»، ش ۲)، قطعه «بیان رستاخیز»، که بعداً متن آن در صفحه ۱۲۲ آغاز می‌گردد، آماده رونویسی بوده است و نیز هنگام نوشتن صفحه ۱۰۰، مطلبی که در صفحه ۱۰۵ به کتابت درآمده، وجود داشته و به دلیل - که شاید توالی زمان نگارش آن

۱۶ داستان گرشااسب، تهمورس، جمشید،....

پاره‌نوشتارهای قدیمی و کهنگی بیشتر برخی باشد — تقدّم و تأخّر آنها رعایت شده است.

۱.۲. سوم) نیز در صفحه ۱۳، سطر ۹ آمده است : مد *new*، نیو، پهلوان). از این دو واژه، اولی هزوارش و دیگری صورت ایرانی آن است. به نظر می‌رسد که در دستنوشته اصلی، ۱۲۱ پرنوشت و توضیحی برای واژه مد بوده و کاتب هنگام بازنویسی، هر دو را در یک ردیف شمرده و دوّمی را هم در متن وارد کرده است. سپس خود وی، یا شخصی دیگر، آنها را با کلمه فارسی «پهلوان» شرح نموده است. همچنین «پیدایش»، که پرنوشت فن ۱۲۱ (da[hi]šn) است، در صفحه ۳، سطر ۶، بر روی سطر آمده است. نکته اخیر احتفالاً دلالت بر آن دارد که رونویسی‌کننده توضیحی را لازم دیده و آن را به جای آوردن در حاشیه، در متن وارد کرده و یا پرنوشت پیشین را بروی سطر باز نوشته است.

۱.۲. چهارم) این استنباط را دوباره نویسی‌های م. او ۲۹ نیز تأیید می‌کند. روی هم‌رفته نزدیک به ده صفحه از این دستنویس دو بار نوشته شده است (۱.۲. پنجم). از این میان، صفحات ۳۳ - ۳۴، که در جای درست خود قرار دارد، در صفحات ۲۷ - ۲۸ هم دوباره نویسی شده است. از آنجاکه جز اختلافاتی جزئی در این دوباره نویسی دیده نمی‌شود و نیز آغاز و پایان صفحات در آنها یکسان نیست، چنین پیدا است که هنگام نوشته شدن صفحات ۲۷ - ۲۸ م. او ۲۹، پاره‌نوشتار «تهمورس و جمشید» (ش ۳)، که صفحات ۳۳ - ۳۴ جزء آن است، وجود داشته است. این قطعه از نوشهایی است که ویژگی‌های اصلی زبان م. او ۲۹ بروشنا در آن به چشم می‌خورد و آن را باید نگارش و انشای یکی از نویسندهای این دستنویس دانست (۱.۲). به همین دلیل، این قطعه که بازنویسی از روی نوشهای قدیمیتر و شناخته و مشهور نیست و خود به گروه فراهم‌آورندگان و سازندگان م. او ۲۹ تعلق دارد، اوراق پراکنده آن به هنگام تدوین این دستنویس جا بجا شده ولذا، این دو صفحه آن دو بار به کتابت در آمده است.

۱.۲. پنجم) در دوباره نویسی‌ها گاهی املائی غلط یا ناعادی برای یک واژه، یا غلط‌نویسی می‌آید و این اشتباه در هر دو بار نوشتن تکرار می‌شود. مثلاً ره^{۱۰} و سه^{۱۱} در صفحه ۹۶، سطر ۱۵ و معادل آن در صفحه ۹۹، سطر ۵ می‌آید که صورت غلط برای ره^{۱۰} و سه^{۱۱} است و در صفحه ۹۶، سطر ۱۵، ... لام گرفته شده است: نیزه^{۱۲}. در صفحه ۲۸، سطر ۱ و برابر آن در صفحه ۳۲، سطر ۱۷، هر دو بره^{۱۳} و به جای بره^{۱۴} نوشته شده و کلمه بره^{۱۵} هم در صفحه ۲۷، سطر ۱۰، و هم در صفحه ۳۳، سطر ۹، از قلم افتاده است. نیز املائی

نامعمول لیچس^{۲۳} برای لرس^{۲۴} در صفحه ۷۶، سطر ۴ و دوباره‌نویسی آن در صفحه ۱۱۴، سطر ۱۷ و هم در صفحه ۷۶، سطر ۱۲ و دوباره‌نویسی آن در صفحه ۱۱۵، سطر ۸ می‌آید؛ حال آن که متلاً در همان قطعه، در صفحه ۷۵، سطرهای ۱۱ و ۱۲، همانند دوباره‌نویسی آنها در صفحه ۱۱۴، سطرهای ۹ و ۱۱، این واژه دارای املای عادی خود است.

۱.۲. ششم) در صفحه ۴۵، سطر ۲، یک تکه از داستان «تھمورس و جمشید» (ش. ۳، ۶۲) حذف شده و این حذف‌شدگی در متن م. او ۲۹ با نشانه مشخص گشته است. بیگمان این شکستگی و نشانه‌گذاری را باید ناشی از گم شدن عبارات یا جملاتی دانست که در نگارش نخستین و اصلی در اوراق کهنه پاره‌نوشتار مزبور پیش آمده بوده است و رونویسی‌کننده هنگام کتابت آنها را نیافته و ناگزیر جای خالی آن را در نسخه حاضر حفظ کرده است.

۱.۲. هفتم) با سنجیدن «پائزده هنر موبدان» (ش. ۳۷) در م. او ۲۹ با ضبط دیگر پازند آن (متن‌های پازند، ص. ۳۳۵؛ در آنجا این قطعه با عنوان فارسی «ده‌وپنج خصلت آسورنان»، آمده است) می‌توان نخست تایز ویژگیهای اصلی شیوه نگارندگان م. او ۲۹ را بار دیگر بازیافت: بی‌دقیقی و نیز تأثیر لهجه و گویش زبان زنده (۱.۲). این نکته خود فرضیه نگارش پاره‌نوشتارهای م. او ۲۹ را از روی حافظه و یاد و یا تحریر تقریرات استاد تأبید می‌غاید. سپس باز اختلاف که هنوز میان زبان اصیل و سره اصل پازند و قدیمیتر «پائزده هنر موبدان»، بویژه پس از قیاس و تصحیح ضبط آن در م. او ۲۹ با روایت متن‌های پازند، نسبت به پرنوشت و تفسیر عبارات و واژه‌های آن به خط فارسی وجود دارد، به چشم می‌خورد: نگارنده م. او ۲۹ این قطعه را نیز از روی حافظه بازنگاری کرده یا آن را شنیده و نوشته است. ولی آیا نویسنده شرح فارسی آن نیز همو است؟

۱.۲. هشتم) خط اوستایی در هر دو بار نوشته شدن پاره‌نوشتار «پائزده هنر موبدان»، بر صفحات ۱۶۰ و ۱۶۱ همانند واحد است و فقط بر صفحه ۱۶۱ ترجمه و تفسیر فارسی هم افزوده شده است. این خط از آن دومین کاتب و تدوین‌کننده دستنویس م. او ۲۹ است. وی شاید «پائزده هنر موبدان» را خود به یاد آورده و نگاشته و یا به رونویسی از بازنگاری پیشین آن پرداخته باشد. اگر حتی خط فارسی در شرح این پاره‌نوشتار را از وی ندانیم، باز باید پذیرفت که تاریخ ۱۲۱۱ یزدگردی بر صفحه ۱۰۹ (= ۱۱۲ متن چاپی) این دستنویس به خط او است. نیز این تاریخ را باید به زمان آخرین تدوین مخشن دوم م. او ۲۹ بازگشت داد و نه دوران

نگارش اصلی پاره‌نوشتارهای کهن‌تر آن.

به هر تقدیر، نگارش «حقیقت گلشاه» (ش ۸) در م. او ۲۹ مقدم است بر زمان نوشن
پاره‌نوشتار نظیر آن در روایات داراب هرمزیار (سُرْنگار و یادداشت‌های «حقیقت گلشاه»).
بدین شمار، اگر این استنباطات نادرست نباشد، بر مبنای آنها باید گفت که حداقل دو مین کاتب
م. او ۲۹ خود نویسنده پاره‌نوشتارهای «باریابی ذرتشت» (ش ۱۹) و «فضل دیگر» (ش ۲۰) و نیز احتمالاً «نصیحت» (ش ۲۱) است و نه قطعائی دیگر. در باره «نوبارانی» (ش ۲۶)
هم در این باره تردید بر جای می‌ماند.

پس با توجه به آنچه گذشت، از مجموع قرائتی که در م. او ۲۹ وجود دارد، این استنباط
پدید می‌آید که تدوین‌کنندگان آن صاحبان همین دو قلمی‌اند که خط آنها در کتاب کنونی دیده
می‌شود و بازنویسی پاره‌نوشتارهای اصلی آن به دست دو کاتب پدیدآورنده کتاب در همین
نسخه‌ای انجام گرفته است که اینک با شماره MU29 در کتابخانه نخست‌دستور مهرجی رانا
ضبط است و نگاهداری می‌گردد و به صورت چاپ عکسی انتشار یافته است. دلیل اصلی در
این ادعای آن است که اگر بار دیگر کسی، پس از تدوین و نگارش پاره‌نوشتارهای پراکنده مورد
گفتوگو و درآمدن آنها به شکل کتابی مدون، به بازنویسی کتاب پرداخته و آن را نسخه‌برداری
کرده بود، بسیاری از این آثار تدوین اصلی را می‌زدود و آنها را به صورت قلم‌گرفتگی و
دوباره‌نویسی و اشتباهات و اغلاطی که اینک در م. او ۲۹ وجودشان به چشم می‌خورد، به
این وضوح و صراحة بر جای نمی‌گذاشت. به همین علت می‌توان پذیرفت که خط دو کاتب
م. او ۲۹ همان خط تدوین‌کنندگان آن است و به احتمال هم اینان باید افزاینده برخی از
پاره‌نوشتارهای گروه سوم (۱.۲. هفتم و هشتم؛ ۱.۴) بر این دستنویس باشند؛ گرچه حکم
اخیر را شاید هم نتوان قطعی دانست. همچنین به نظر می‌رسد که دستنویس پاریس، رونویسی
از م. او ۲۹ است (۳.۴. یکم).

۱.۳. نگارندگان و کاتبان کتاب

با بیان فرضیه‌ای از این دست در پیدایش م. او ۲۹، باید پذیرفت که میزان آشنایی نویسنده‌گان پاره‌نوشتارهای نخستین آن و نیز موبدی که به تدوین و بازنویسی بخش یکم آن پرداخته، با زبان پهلوی بیشتر از دوّمین بوده است. اثبات این ادعا مستلزم توصیف دقیق صرف و نحو همه کتاب و نیز سنجش آن با زبان پهلوی و فارسی کلاسیک خواهد بود، اما با تکیه بر شمّ زبانی می‌توان آن را ادراک و تصدیق نمود. پایه این حکم بر این واقعیت استوار است که اختلاف میان زبان پاره‌نوشتارهای م. او ۲۹ چندان است که بعيد به نظر می‌رسد نویسنده واحدی بتواند همه آنها را نگاشته باشد (۱.۴). در پاره‌نوشتارهای آغازین کتاب نوعی زبان پهلوی دیگرگون و متفاوت از آثار کلاسیک دیده می‌شود که شاید خصائص زبان مدرسی پهلوی موبدان را در قرون متاخر در برداشته باشد. به هر تقدیر، بسیاری از نکات متفاوت و نامعمول و غریب زبان این پاره‌نوشتارها را در کتابهای پهلوی دیگر هم می‌توان یافت (۲.۳ و ۲.۲. دوم). از سوی دیگر، در پاره‌نوشتارهایی دیگر از م. او ۲۹، عناصری متعلق به زبان فارسی دری بیشتر دیده می‌شود. این قطعه‌ها را باید قطعه‌های تازه‌تر در م. او ۲۹ شمرد. با اینهمه، نشانه ویژه‌ای در دست نیست که بر اساس آن بتوان گفت که این قطعه‌ها نخست به فارسی نوشته و سپس به پهلوی برگردان شده‌اند.

در سنجشی میان کهنگی و کهنیکی و اصالت زبان و مفاهیم و مضامین پاره‌نوشتارهای بخش نخستین م. او ۲۹ و تحول نسبی آن در دوّمین بخش، و نیز با داوری بر اساس تسلط و آشنایی اصیل‌تر کاتب نخستین، می‌توان سیری از تحول زبان مدرسی فقهان و موبدان زرتشتی را مشاهده نمود که با کوشندگی تنگستانه و دشواری تلغی، پایداری خویش را نه تنها در نگاهداری میراث مکتوب کهن تداوم بخشیده‌اند، بلکه حتی به بازگویی خلاق، و آفرینندگی در بیان تازه از قصص و روایات کهن نیز دست یابیده‌اند. قصه بردازی و پردازش داستان ویژگی ممتاز م. او ۲۹ است و بیگمان حاصل شرایط ثبات و شکوفایی اقتصادی پُر رفاهی باید بوده باشد. این گونه سراییدن داستان را به زبان پهلوی شاید بتوان از آخرین جنب‌وجویی پنداشت که زبان قدیمی و مصنوعاً زنده نگاهداشته مدارس موبدان، در کنار سلطه هر چه فرونتر فارسی دری، با آن حضور خود را اعلام می‌دارد و نیز عناصری از گونه‌گفتاری زبان مدرسی یا قومی و خانگی اصلی و اصیل خویش را در آن به یادگار می‌گذارد.

تحول عناصر زبانی و درآمدن آنها به شکل فارسی از یک سوی، و نیز از سوی دیگر، درآمدن استدلال دانشمندان دانا به علم کلام و فلسفه و مسلط بر دانش قدیمی دینی به صورت بیانی عامیانه که در «باریابی زرتشت» (ش ۱۹) دیده می‌شود، گویای سیر تحول فرهنگ، لاقل در بخشی از جامعه زرتشتی، در طی قرون است. این گونه سیر تحول زبان و مضامین را در پاره‌نوشتارهای م. او ۲۶، باید نمونه‌ای از دیگرگوئی و تغییری به شمار آورد که در نزد گروههای مختلف و متعدد ہدینان، ساکن در نواحی گوناگون کشور، در قرون متاخر روی داده است و شیوه نگارش و نیز فرهنگ و علم دین را، در هر کجا به شکلی ویژه، دستخوش تطویر کرده است. به نظر می‌رسد که نوشتمن به فارسی زرتشتی و نیز اختیار کردن دین دیره برای نگارش مطالب تازه و جدید در نزد دیگران رسم بوده است، ولی در همان حال، سیری برای تحول خط و نوشتمن در م. او ۲۶ پیش آمده است که بیشتر مختص خود آن است تا آن که قابل تعیین دادن به دیگر نویسنده‌گان ہدین آن روزگاران باشد.

۴. دیگرگوئی زبان و مضمون در م. او ۲۶

گذشت که در این دستتویس ۳۷ تا ۳۷ پاره‌نوشتار — بر حسب طرز برش دادن و نام نهادن بر آنها — آمده است. اندازه این پاره‌نوشتارها از چند سطر تا بیست و دو صفحه است. نیز بجز یک قطعه اوستایی («از وندیداد»، ش ۲۵) و یک نصیحت فارسی (ش ۲۱) و همچنین قطعه پازند «پانزده هنر موبیدان» (ش ۳۷)، دیگر پاره‌نوشتارها کلاً و اساساً به زبان و خط پهلوی است. این قطعه‌های پهلوی را گاهی می‌توان بازنویسی از متنی قدیمیتر و شناخته دانست؛ اما برای برخی دیگر از آنها بnde هنوز توانسته است مأخذی بیابد که انبات و واژه به واژه میان آن و نوشتمن آمده در م. او ۲۶ میسر باشد.

پاره‌نوشتارهایی که برگرفته از متنی قدیمی اند نیز اغلب واژه‌ها و عبارات و حتی جملاتی اضافی، یا کمتر دارند و همچنین املای واژه‌های آنها در دو متن اغلب کاملاً یکسان نیست. این افزودها و کاستگی بروشنی هم مؤید دورنمایی است که به یاری چندی از قرائی و نشانه‌های زیرنوشته از طرز پدید آمدن م. او ۲۶ در نظر می‌آید و هم آن که در مجموع هماهنگ است با ویژگیهای عام سکی و زبانی قطعاتی که به دست نگارنده‌گان م. او ۲۶ کتابت یافته‌اند و آنها را

باید مختص این دستنویس شرد و پاره‌نوشته‌های انسایی و نگارشی این کتاب محسوب داشت. بنابراین، بختی از این پاره‌نوشته‌ها را می‌توان انسایی و نگارشی نام نهاد و بختی دیگر را مأخذ و برگرفته از متون کهنتر گفت. بخش سوّمی را هم براین دو باید افروز و آن نگارش خودبخود و انشای ارجحالی کاتبان است که شاید به هنگام تدوین دستنویس حاضر آنها را نگاشته و یا این که کسانی دیگر پیش از تدوین کنندگان، آنها را بر نوشه‌های پیشینیان خود افزوده باشند.

فرونتر آن که ویژگی متابز م. او ۲۹ فراوانی اغلاط موجود در آن است، که حتی در نگارش مجرد دوباره‌نویسی‌های آن هم به چشم می‌خورد. این خصیصه را به هر شکل که توجیه کنیم، خاصیتی در کنار آن و همگام با آن رشد می‌کند و آن پدیدار گشتن آثاری از زبان گفتاری و زنده نگارندگان در نوشته است. با آن که شکل ثابت نگارشی و خطی و املای تاریخی برای کتابت واژه‌های پهلوی و نیز یادگارهایی از متونی که پاره‌نوشته‌های گروه دوم از آن مأخذ است، هماهنگ با پرورش مدرسی موددان، ناگزیر م. او ۲۹ را زیر تأثیر خود قرار می‌دهد و از بروز مستقیم و روشن زبان زنده در نوشته پهلوی می‌کاهد؛ باز جلوه‌هایی از زبان گفتاری را در این نوشتارها می‌توان باز یافت. از آنجا که م. او ۲۹ در واقع نگارش و تأليف است و نه رونویسی و نسخه‌برداری؛ پس در این تأليف متأخر، گاه و گذاري برخی از خصائص واژگانی و آوایی و نحوی زبان زنده و گفتاری نگارندگان آفتابی گشته است.

گذشته از انعکاس نحو زبان، از آنجا که املای تاریخی و شکل ثابت نگارش واژه‌ها گاهی دستخوش تغییر شده است، نشانه‌هایی از چگونگی خصائص آوایی زبان در خط انعکاس دارد. با این توضیح که نخست، گاهی واژه چنان که تلفظ می‌شده است، به نگارش درآمده است (۲. دوم). دیگر آن که به دلیل بافت آوایی، گاهی واجهای زبان به یکدیگر شباهت یافته و همانند با یکدیگر به گوش می‌رسیده‌اند. در نتیجه این شباهت، در این موارد گاهی به جای واجنویسی کردن و نگاشتن واژه به صورت دقیق و درست واجی یا حتی به کاربردن املای سنتی و تاریخی عادی آن، به نوشتن آواهایی که شنیده می‌شده است، دست زده‌اند. این نگارش تلفظ واژه و «تلفظنویسی» آنها، در واقع از طریق اختلاط واچگونه‌های یک واج با واجی دیگر، موجب پدید آمدن املایی ناعادی برای واژه گشته است. از روی همین گونه آمیختگی‌ها است که گاهی می‌توان به تقریب چگونگی تلفظ شدن واجها را حدس زد و به برخی ویژگی‌های

آوای آنها بی برد (۳.۲). در برخی از موارد نیز به نظر می رسد که بر اساس همین جزئیات آفتابی شده از زبان زمانه آنان و در قیاس با چندی مشابهات آنها در دیگر متون، شاید بتوان قواعدی کلی درباره تاریخ تحول آواهای زبان استخراج کرد.

همین گونه انعکاس صرف و نحو و خصائص آوای زبان زنده گفتاری و حتی دیگر گونه های معنایی واژه ها در م. او ۲۹ این نکته را به ذهن متبادل می کند که اختلاف موجود در گونه های سبکی و زبانی پاره نوشتارهای آن ناشی از تفاوت گونه های فردی زبانی و نیز شاید احیاناً حاصل تحول زبان در طی زمان و یا حتی اختلاف مکانی است. به هر تقدیر، بیگمان میان زبان در داستان «گرشاپ» (ش ۱) و «روز اورمزد، ماه فروردین» (ش ۱۶) و نیز «نوبارانی» (ش ۲۶) و «باریابی زرتشت» (ش ۱۹) اختلاف وجود دارد که قابل انکار نیست: مثلاً حروف اضافه زائد فراوان در داستان «گرشاپ» در هیچ یک از این سه پاره نوشتار دیگر دیده نمی شود و همچنین kū ka / kū kē آغازین در جملات. در «روز اورمزد، ماه فروردین»، واژه nēz (= نیز) چهارده بار به کار رفته و این تنها مورد کاربرد این واژه در م. او ۲۹ است. در «باریابی زرتشت» و «نوبارانی»، در ساخت افعال استمراری واژک «می» دیده می شود و واژه های تازه و عربی / فارسی به آسانی و گاه نیز خلاف قاعده و غلط، در آنها می آید. این چند مورد نمونه هایی است از چنین اختلاف و تفاوتی در پاره نوشتارهای م. او ۲۹ و توضیح بیشتر آن در سرنگار هر یک از پاره نوشتارها یاد می گردد و در آوانویسی متن جزئیات آن انعکاس یافته است.

پاره نوشتارهایی که نام «انشایی و نگارشی» بر آنها نهاده شد و به احتمال تمام نگارش و انشای نگارندگان م. او ۲۹ است، دارای خصائص زبانی متفاوتی است که حدی فاصلی میان پهلوی و فارسی دری را بازنگون می کند، همراه با عناصر گویشی و مدرسي چندی. این پاره نوشتارها بیشتر با نوشه های فارسی زرتشتی و مضامین آنها و نیز نوشته های معروف به پازند شباهت و قرابت دارد تا آثار پهلوی و قدیمیتر. هم زبان و هم گاهی مضمون های این پاره نوشتارها دارای ویژگی و غرابت است و هماهنگ با تماش تحول زبان و باورهای زمانه، نوعی تغییر و تطور و انحطاط فرهنگی را نشان می دهد. از نظرگاه زبانی، این به اصطلاح انحطاط عبارت است از دور ماندن از زبان ادبی و کلاسیک پهلوی و نیز فارسی دری و قواعد دستوری و واژه های آشنای آنها.